

## استفاده از زندان باید محدود به جرایم خاص باشد

مصاحبه با  
دکتر سعید آقاصادقی  
مدرس دانشگاه و مدیرکل بازرسی  
و مشاور رئیس سازمان زندان‌های کشور

ریاست محترم قوه و خیلی از علما  
معتقدند که مجازات زندان در اسلام  
ریشه ندارد

یک همایش سراسری را برگزار کردیم با عنوان "زندان، مجازات یا اصلاح" که پرسش اساسی ما از متخصصان حقوقی، جامعه‌شناسی و مذهبی این بود که شما بگویید هدف از زندان، مجازات باید باشد یا اصلاح مجرم؟ که تأکید متخصصان شرکت‌کننده بر جنبه اصلاحی مجازات بود. آن چیزی که از آموزه‌های اسلام درک می‌شود نیز این است که اسلام دیدگاه تربیتی و اصلاحی نسبت به کل شئون جامعه دارد یعنی اگر مجازاتی هم در نظر می‌گیرد با این هدف است که شخص سالم به جامعه برگردد. یک مثال کوچکی می‌زنم؛ اگر بچه‌ای در خانه شیطنت کند، ممکن است والدین او را به نوعی تنبیه کنند، اما به هیچ وجه قصد انتقام یا اذیت فرزندان خود را ندارند. و هدف تنبیه صرفاً تنبیه فرزند است تا دیگر دست به عمل نامناسبی نزنند. یعنی در واقع هدف از مجازات اصلاح است. بنا بر این چون حکومت ما اسلامی است همه چیز ما باید اسلامی باشد نمی‌شود که ما مثلاً فقط اقتصادمان و فرهنگمان اسلامی باشد، بلکه سیستم قضایی ما هم باید اسلامی باشد. به هر حال اگر در سیاست جنایی اسلام زندان وجود داشته است. مثلاً در تاریخ اسلام بوده و در سیره پیغمبر بوده و با روایات هست، ما هم باید داشته باشیم. ولی ریاست محترم قوه و خیلی از علما معتقدند که مجازات زندان در اسلام ریشه ندارد و اگر هم زمانی در حکومتی که در جوامع اسلامی شکل گرفته، زندان وجود داشته، بسیار محدود بوده است. در واقع زندان ریشه طاغوتی دارد و یک تاسیس اسلامی نیست. ریاست محترم قوه معتقدند زندان فقط باید در مورد چند جرم و آن هم با شرایط خاص و مستند

### اشاره

در راستای ترویج فرهنگ کاهش استفاده از مجازات زندان در دانشگاهها و بحث و بررسی نکات مثبت و منفی این سیاست کلان نظام قضایی کشور، تصمیم بر آن شد تا سلسله گفتگوهایی با دست‌اندرکاران امر و متخصصان علوم زندانها انجام دهیم که به این منظور به سراغ دکتر سعید آقاصادقی، مدرس دانشگاه و مدیرکل بازرسی و مشاور رئیس سازمان زندانهای کشور رفتیم تا نقطه نظرات ایشان را در این مورد جویا شویم. ایشان در این مصاحبه کاهش استفاده از مجازات زندان را در راستای اسلامی ساختن نظام قضایی کشور برشمردند و با نگاهی اقتصادی-اجتماعی فواید کاهش استفاده از زندان را بسیار بیشتر از هزینه‌های آن برای جامعه عنوان کردند. متن این گفتگو در ادامه خواهد آمد:

**کلام** به عنوان سؤال اول بفرمایید که فلسفه اجرای مجازات چیست و مجازات زندان تا چه حدی به این اهداف جامع عمل می‌پوشاند؟

مجازات، بخشی از سیاست جنایی است و سیاست جنایی هر کشوری را بیشتر، جهان‌بینی، ایدئولوژی و پایه‌های فلسفی یک حکومت تعیین می‌کند. این که ما چه چیزی را جرم بدانیم، چگونه با مجرم برخورد کنیم، که در این موارد پاسخهای مختلفی گفته می‌شود. بعضی می‌گویند ما باید مجرم را مجازات کنیم تا انتقام جامعه را از او بگیریم. عده‌ای می‌گویند مجرم را باید مجازات کنیم تا جامعه از شر او مصون بماند و برخی می‌گویند در واقع ما مجرم را مجازات می‌کنیم با این هدف که اصلاح شود و به جامعه برگردد. ما سال ۷۸

به منابع فقهی و اسلامی اعمال شود و حتی ایشان می فرمودند که یک متهم به قتل را هم نباید بیش از شش روز نگه داریم و باید برویم به اتهام او رسیدگی کرده و تکلیفش را روشن کنیم، چون الان در برخی پرونده‌های قتل مشاهده می شود حتی تا چند سال متهم را به صورت بازداشت موقت و یا عجز از تودیع وثیقه و یا به صورت دیگر در زندان نگه داشته‌اند تا تعیین تکلیف شود، در حالی که اگر کسی قتل کرده باشد نهایتاً محکوم به قصاص می شود و مجازات او زندان نیست و نباید در مورد او مجازاتی مضاعف اجرا کنیم. نکته دیگر این که آیا اصولاً مجازات زندان مؤثر هست یا نه. در اینجا باید به اهدافمان در اجرای مجازات نگاه کنیم. ببینید هدف ما از مجازات زندان، اصلاح زندانی است، چون معتقدیم که به گفته‌ی قرآن باید به سراغ احیا و زنده کردن انسانها برویم و زنده کردن اعم است از زنده کردن جسمانی و زنده کردن معنوی و روحانی، لذا برای اصلاح زندانیها باید کار فرهنگی انجام دهیم. حالا آیا واقعاً در شرایط فعلی زندان می تواند این کار را بکند. زندانهای کشورمان در حال حاضر براساس استانداردهای جهانی، شصت هزار نفر ظرفیت دارند. اما در شرایط فعلی حدود یکصد و چهل هزار نفر زندانی داریم یعنی هشتاد هزار نفر بیش از ظرفیت. یک مثال عامیانه هست که می گوید اگر میهمان یکی باشد میزبان می تواند پذیرایی خوبی به عمل آورد ولی اگر میهمان زیاد شد این امکان وجود ندارد. بله زندان می تواند کاربرد اصلاحی داشته باشد، می تواند یک دانشگاه باشد، می تواند یک انسان مصلح را تحویل جامعه بدهد اما به شرطها و شروطها، یعنی باید امکانات داشته باشد. ضمن اینکه اصولاً داشتن زندانی زیاد زیننده کشور ما نیست، الان در جهان به ازای هر صد هزار نفر حدود ۱۴۰ نفر زندانی وجود دارد، ولی در کشور ما این رقم حدود ۴۱۲ نفر است. خوب حالا به جرایم اینها نگاه می کنیم. ببیند چه کسانی وارد زندان شده‌اند، حدود ۵۰ درصد از زندانی های ما مرتبط با مواد مخدرند که که نیمی از آنها صرفاً معتادند. در زندانی که جا نداریم زندانی را نگهداری کنیم و پول لازم هم برای تأمین هزینه اینها نداریم (الان برای هر زندانی فقط روزی دو هزار تومان اعتبار داریم که تصدیق می کنید نمی شود با این مبلغ هزینه آب و برق زندان، بهداشت، غذا و بقیه مایحتاج زندان را تأمین کرد) حالا در این شرایط زندان برای اصلاح و بازپروری معتاد

چه کارایی خواهد داشت؟ همکاران ما خیلی تلاش می کنند، خیلی موفقیت‌ها هم کسب کرده اند و در سطح بین المللی هم حرفهای زیادی برای گفتن داریم ولی واقعاً بدلیل فقدان امکانات زندان‌هایمان کارآمدی لازم را برای معتادین ندارند. حدود ۴۰ درصد از کل زندانی های ما هم به خاطر عجز از پرداخت جزای نقدی به زندان آمده‌اند که واقعاً بی معناست. این شخص یا پول دارد یا ندارد؟ اگر دارد که بروید مالش را پیدا کنید و جریمه را از او بگیرید و تنش را آزاد کنید و اگر هم واقعاً ندارد خوب المفلس فی امان الله. ما می گوئیم که چون نمی توانیم بگردیم مال قاچاقچی را پیدا کنیم بهترین کار این است که او را ببندیم زندان و بگوئیم به ازای هر روز تحمل حبس، ۱۰ هزار تومان از جریمه‌ی او کم شود. مثلاً یک قاچاقچی محکوم می شود به پرداخت ۱۰ میلیون تومان، می گوید من ندارم و ذنبال اموال او هم نمی گردیم در حالی که قطعاً کسی که قاچاقچی بوده مالش را جایی پنهان کرده است. خوب در اینجا دولت ۱۰ میلیون تومان بابت نگرفتن جریمه، ضرر کرده و بعد چند میلیون تومان نیز در زندان خرج زندانی می کنیم که این می شود نقض غرض. حال آیا این زندان می تواند مؤثر باشد؟ شما کسی را که تصادف کرده و به دیه محکوم شده و پولی ندارد را در نظر بگیرید، کسی که محکوم به دیه شده محکوم به حبس نیست. خوب ما می گوئیم ما می خواهیم اصلاح و تربیت کنیم، خوب این آقایی که به دیه محکوم شده می گوید من که آدم بدی نیستم که به زندان بیایم تا در زندان مرا اصلاح نمایند، من پول ندارم که دیه را بدهم. از طرف دیگر آیا منطقی است که ما برای هر جرمی آدم‌ها را به زندان بپاندازیم؟ به هر حال زندان می تواند مجازات خوبی باشد اما برای کسی که واقعاً نیازمند اصلاح و تربیت است و سیستم باید طوری تعریف شود که بدرستی تشخیص بدهیم که چه کسی نیازمند بازپروری است و فقط او را به حبس محکوم نماییم.

**کواه** با این توضیحات، لااقل یکی از علل اصلی اجرای کاهش استفاده از مجازات زندان را هزینه‌هایی می دانید که برای دولت دارد. به نظر شما اگر روزی امکانات ما طوری شود که بتوانیم تمام مجرمین را به راحتی در زندان‌ها نگهداری کنیم آیا باز هم می بایست سیاست کاهش استفاده

## از مجازات زندان اجراء شود؟

به طور قاطع می گوئیم حتماً باید این سیاست را باز هم دنبال کنیم. ببیند اگر ما بهترین زندان‌ها را هم فراهم کنیم شما مطمئن باشید با این روند باز هم زندانیان ما بیش از امکانات می شوند. من یک صاحب نظر اقتصادی نیستم ولی تا آنجا که می دانم، منطق اقتصاد اجتماعی می گوید هزینه و فایده می بایست با هم مقایسه شود و نگاه کنیم که برای هر کاری چه هزینه‌ای می پردازیم و چه فایده‌ای می بریم. سالی ۶۰۰ هزار نفر آمد و شد در زندان‌ها داریم که با احتساب خانواده‌هایشان حدوداً سالی ۳ میلیون نفر درگیر مستقیم با زندان هستند. پس اولین هزینه، هزینه‌ای که خانواده‌ها می پردازند، اینها امرار معاششان با مشکل روبرو می شود. جدا از اینکه این مسئله با اصل فردی بودن مجازات متضاد است. همچنین ما آمار گرفته‌ایم، حدود ۵۰ درصد افرادی که در زندان‌های ما هستند قبلاً یکی دیگر از اعضای خانواده‌شان زندانی بوده یعنی خود این زندانی کردن می تواند زمینه‌ساز آسیبهای اجتماعی برای سایر اعضای خانواده باشد. هزینه دیگر زندان در بعد جامعه است. شما ببینید کسانی که زندانی می شوند ولی استحقاقشان و مجازات اصلی‌شان زندان نیست برای جامعه به عنوان یک تهدید محسوب می شوند. چون اینها نسبت به مسائل اجتماعی به هر حال ناراضی می شوند و موضع می گیرند. خود زندانی هم پس از آزاد شدن از زندان به خاطر سوء پیشینه‌ای که دارد کاری برایش پیدا نمی شود، راننده تاکسی هم نمی تواند بشود. ما می گوئیم که باید منطقی‌سازی کنیم نه اینکه مجازات زندان را حذف کنیم و نه اینکه مثل الان خیلی زیاد باشد، بلکه باید مجازات‌ها را متعادل کنیم یعنی هر چیزی را سر جای خودش قرار دهیم. هیچ کس نمی گوید که دزد و قاچاقچی و متجاوز به نوامیس مردم را به زندان نپاندازیم. اصلاً اعتقاد من این است که باید زندان‌های سختی را برای این گونه افراد داشته باشیم. یک نکته دیگر که باید در اینجا اشاره کنم، اینکه حدود ۴۰ درصد از زندانی های ما با قرار غیر از قرار بازداشت می آیند. مثلاً با قرار عجز از تودیع وثیقه یا قرار کفالت. اگر همان روز که این‌ها در دادگاه هستند اجازه بیابند، شاید بتوانند کفیل و یا وثیقه فراهم کنند. این قبیل افراد معمولاً یک تا ده روز در زندان می مانند و فقط این لکه ننگ روی پیشانی‌شان می چسبند و بعد آزاد می شوند.

تلقی کردیم باید مجازات مناسب برای آنها تعیین کنیم. الآن لوایح متعددی مثل لایحه مجازاتهای اجتماعی به مجلس تقدیم شده که مناسب است که نمایندگان محترم مجلس هم این لوایح را به عنوان یک ضرورت تشخیص داده و آنها را سریعتر تصویب کنند. اگر این لایحه مجازاتهای اجتماعی تصویب شود مجازات حدود ۳۵۰ جرم به مجازات‌هایی غیر از زندان تبدیل خواهد شده است. به هر حال بنظر می‌رسد حل مشکلات مرتبط با زندان و زندانی نیازمند عزم جدی و هم‌جانبه مسئولان امر، صاحب‌نظران و متخصصان می‌باشد. ◀

حرکت کنیم. یکی همین بخش تبلیغاتی و فرهنگسازی است. من معتقدم باید با قدرت و قوت کار فرهنگی کرد. بیاییم اندیشمندان و صاحب‌نظران را جمع کنیم و در این مورد بحث و تبادل نظر نماییم. جنبه‌ی دیگر این کار آموزش است. آموزش به ضابطین قضایی و آموزش به کارآموزان قضایی. مثلاً قضات بخشی از کارآموزی خود را در زندان سپری کنند، شرایط آنجا را ببینند و با علم کافی به این شرایط، حکم زندان متهمین را امضا نمایند. این آموزش‌ها می‌توانند حضوری باشد، می‌تواند به صورت جزوه و یا پیام باشد، می‌تواند به صورت بروشور باشد. البته مهمترین رکن کاهش استفاده از مجازات زندان، پالایش و اصلاح قوانین است. من این اعتقاد را دارم که کل قوانین را باید بررسی کرد. در پاره‌ای از موارد باید جرم‌زدایی صورت پذیرد، اگر هم اعمالی را جرم

خوب آیا نباید مکانیزمی بیاندیشیم که با این گونه افراد مناسب‌تر برخورد شود. البته سازمان زندان‌ها اخیراً بازداشتگاه‌های موقتی تاسیس کرده که مخصوص همین قرارها است که شرایط سهل‌تری دارند و نام زندانی هم کمتر روی آنها می‌ماند. همچنین باید در این موارد به تصحیح قانون هم نظر داشته باشیم مثلاً در مورد جرایم مرتبط با مواد مخدر قانون گفته الزاماً باید قرار بازداشت صادر کند. چه بسا در مواردی مثلاً در مورد کسی که یکبار و تفرنی از مواد مخدر استفاده کرده قاضی بخواهد قرار دیگری صادر کند ولی قانون دست او را بسته است.

## گواه به نظر شما چه اصولی باید در پیشبرد و اجرای این سیاست رعایت شود تا علی‌رغم بهره‌برداری از جنبه‌های مثبت کاهش استفاده از مجازات زندان، جنبه‌های منفی آن به حداقل برسد؟

من این نکته‌ی کلی را باز هم تأکید می‌کنم که ما هیچ وقت در کاهش استفاده از مجازات زندان هدفمان مجرمینی که به انسانها صدمه می‌زند و حق آنها را پایمال می‌کنند نیست. اصلاً ما نمی‌گوییم نسبت به یک کلاهبردار ترحم داشته باشید. چون این‌گونه افراد برای همه جامعه خطرناک هستند. پس حیطه‌ی و گستره سیاست کاهش استفاده از مجازات زندان مشمول کسانی نیست که امنیت اجتماعی را به خطر می‌اندازند. از طرف دیگر دامنه‌ی کاهش استفاده از زندان در مورد قاچاقچیان مواد مخدر این است که اموال آنها را به عنوان جزای نقدی ضبط کنند، چون امروزه ثابت شده که سخت‌ترین مجازات‌ها برای این افراد، گرفتن اموالشان است، آنها حاضرند به زندان بروند ولی اموالشان را حفظ کنند. جناب آقای یسافی تعریف می‌کردند که یکی از قاچاقچیان را در مشهد گرفته بودند، گفته بود مالی ندارم و به افزایش به زندان رفته بود. پس آزادی معلوم شد که بهترین ساختمان یکی از شهرهای اطراف مشهد مال اوست. بنابراین این اصول حاکم بر سیاست کاهش استفاده از مجازات زندان این است که باید اولاً مصالح عمومی جامعه را در نظر بگیریم و نباید بگذاریم که امنیت اجتماع در خطر بیافتد، از طرف دیگر باید هزینه و فایده زندان را محاسبه کنیم، اگر به این نتیجه رسیدیم که فایده زندان بیشتر است، خوب از زندان استفاده می‌کنیم. و همچنین ما باید در چند بعد برای پیشبرد این سیاست

